اعوذ بالله من الشیطن الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

جادوی شیاطین (قسمت یکصد و نوزدهم)

هوش زیر کلاغی (بخش پنجم)

چطوری ما هوش معنوی خود را بالا ببریم و تلاش و کوشش بیهوده نکنیم. خدای مهربان در قرآن ما را راهنمایی فرموده است. براساس قرآن، تلاش و کوششهایی که به معنویت تبدیل نشوند، به درد نمیخورند. هر کسی بنا به وسعت و توانایی خودش تلاش و کوشش میکند.

وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا ﴿١٩﴾

و هر کس خواهان آخرت است و نهایت کوشش را برای آن بکند و مؤمن باشد آنانند که تلاش آنها مورد حق شناسی واقع خواهد شد (١٩)

اما بعضی تلاش و کوششها بیفایده هستند و بدرد نمی خورند و سودی به لایه معنوی ما نمی رسانند و اگر هم فایده ای داشته باشند، فقط فایده مادی دارد و مربوط به همین دنیاست. نتیجه تلاش و کوشش ما باید به لایه معنوی ما برسد و گرنه در حد

یک خرید و فروش است. به همین خاطر در آیه فوق می فرماید (وَهُوَ مُؤْمِنٌ) یعنی تلاش و کوشش ما باید با ایمان ما مرتبط باشد.

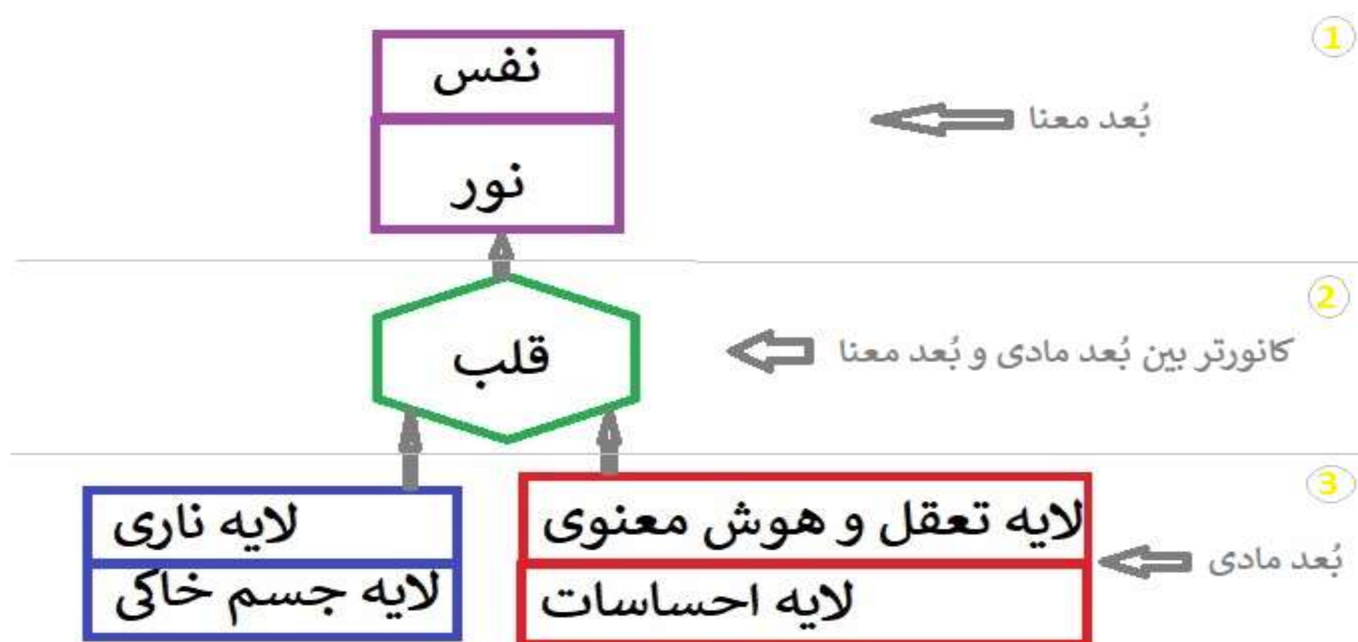
الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا ﴿۱۰۴﴾

[آنان] کسانی اند که کوشش‌شان در زندگی دنیا به هدر رفته و خود می پندارند که کار خوب انجام می دهند (۱۰۴)

أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا ﴿۱۰۵﴾

[آری] آنان کسانی اند که آیات پروردگارشان و لقای او را انکار کردند در نتیجه اعمالشان تباه گردید و روز قیامت برای آنها [قدر و] ارزشی نخواهیم نهاد (۱۰۵)

برای درک بهتر موضوع، سه جنبه اصلی هر انسانی را بررسی می کنیم.



از نظر قرآن، ما انسانها از لایه های مختلفی تشکیل شده ایم. هر کدام از این لایه ها (ابعاد، جهات، وجوه) در رشد معنوی ما نقش اساسی دارند. چهار لایه پایینی که مربوط به جسم مادی ماست، در اختیار ماست تا نور خود را زیاد کنیم و نفس خویش را هم رشد دهیم و به مرحله راضیه مرضیه برسانیم.

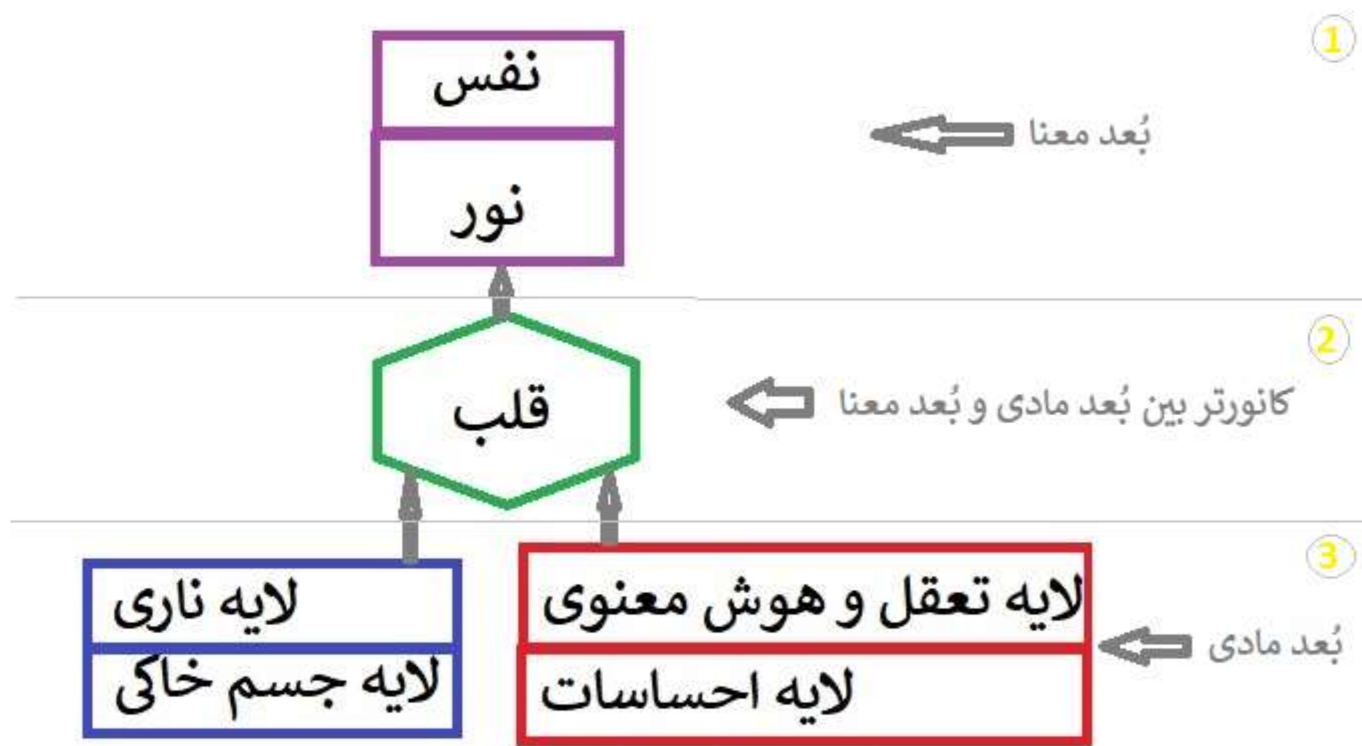
هر کدام از این لایه ها دارای یک زوج هستند. لایه ناری و لایه خاکی با هم زوجند. لایه تعقل و احساسات با هم زوجند و نور و نفس هم با همدیگر زوجند. در قیامت اگر نفس ما نور کافی کسب نکرده باشد، نمیتوانیم وارد بهشت شویم و این دو برای هم زوجند. نور فقط بوسیله هوش معنوی سطح بالا بدست میاید. مشکل افراد در روز محشر، نبود نور کافی است. همانطور که در آیه زیر می فرماید:

يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انْظُرُونَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ ﴿١٣﴾

آن روز مردان و زنان منافق به کسانی که ایمان آورده اند می گویند ما را مهلت دهید تا از نورتان [اندکی] برگیریم گفته می شود بازپس برگردید و نوری درخواست کنید آنگاه میان آنها دیواری زده می شود که آن را دروازه ای است باطنش رحمت است و ظاهرش روی به عذاب دارد (۱۳)

افرادی که در این دنیای مادی بوسیله پندار نیک، کردار نیک، گفتار نیک، نور کافی برای خود کسب نکرده اند، در آنروز نفسشان تنهاست و بیچاره اند. نور برای نفس

مثل یک هوش معنوی است. همانطور که ما در این دنیای فانی هم بدون هوش و تعقل نمی توانیم زندگی را صحیح طی کنیم.



نکاتی در این مورد هست که مورد بررسی قرار می گیرد:

۱. ما انسانها از خاک آفریده شده ایم. لایه جسم خاکی مهمترین ابزار ماست برای کسب هوش معنوی. شیطان لایه خاکی ندارد و از لایه ناری تشکیل شده است. انسانها نباید وارد لایه ناری شوند؛ شیطان در لایه ناری همیشه پیروز است زیرا او از آتش آفریده شده است و لایه ناری خانه اوست. مدیتیشن و چاکرابازی انسانها را وارد لایه ناری میکند و در آنجا قطعا و بدون استثناء ناخواسته و یا خواسته عبد شیطان میشوند. برای محافظت از لایه ناری، باید پندار نیک انتخاب کنیم.

۲. بنابراین ما فقط بوسیله کردار نیک، گفتار نیک، صبر ،سجده، رکوع، نماز، کمک به نیازمندان و ... که مربوط به لایه خاکی است میتوانیم هوش معنوی بالای خود را اثبات کنیم. کسانی که میگویند فقط دلت پاک باشد، کافیست و نماز و روزه اضافی است؛ در واقع میخواهند کردار نیک در لایه خاکی را حذف کنند و به دنیای اجنه و شیاطین بروند. شعر و توهمات و خیالپردازی و بلند پروازی مقدمه ورود به لایه ناری است. زیرا این طور پندارها، با لایه خاکی و امکانات آن جور نیست و در نتیجه انسانها به آن لایه کشانده میشوند. لایه ناری میدان شیطان است. ما فقط بوسیله اعمال نیک و عبادات می توانیم لایه ناری خود را حفظ کنیم. مدیتیشن و یوگا و سایر جادوها، قطعا انسان را به سمت شکست می کشاند.

۳. بعضی ها می گویند که ما میخواهیم ثروتمند شویم تا که بتوانیم کار نیک انجام دهیم. اما این فقط یک خیالپردازی است و بیشتر آدمها در این دنیای فانی نمی توانند از راه سالم ثروتمند شوند. پس بهتر است که برای انجام کار نیک منتظر این موقعیتها نشد. شیطان انسانها را دنبال آرزوهای دور و دراز می فرستد و آنان را از زمان حال خارج میکند و این هم خودش نوعی جادوست. هر آنچه که از دست انسان بر میاید و در توانایی او باشد؛ خدا همان را می پذیرد. خدا خارج از توانایی انسان، از او انتظار ندارد. از نظر خدا سعی خالصانه انسان مهم است و وسعت آن مهم نیست. لیس للانسان الا ما سعی

۴. خلوت با شیطان ، یعنی انسانها برای دلخوشی و شعر و سایر خیالپردازیها به لایه ناری میروند. خیلی افراد وقتی ناراحت می شوند یا غم و غصه دارند یا کمبود مالی

دارند، سریع یک آهنگ و شعر آلفایی را گوش داده و به سراغ بالایی ها (شیاطین و اجنه) می روند تا ببیند آنها چه می گویند! شعر می گوید: ما زبالاییم و بالا می رویم. **از نظر آنان باید از بالایی ها بود تا نجات پیدا کرد. مثلا از نظر بعضی افراد، باید ثروتمند بود تا بتوان کار نیک انجام داد. آنها ناخودآگاه جامعه را به دو قطب تبدیل میکنند که فقط یک قطب آن جامعه توانایی انجام کار نیک را دارد.**

آنها برای حل مشکلات خویش، به سراغ لایه بالایی ها میروند. خیلی اوقات زمانی که از فردی می‌پرسیم که در مورد خودش چگونه قضاوت میکند می‌گوید که فرد خوبی نیست!! و این برای ما خیلی عجیب است زیرا فرد دنیای درون خود را که ما از آن آگاهی نداریم بهتر میشناسد و وقتی که با موجودات بالایی خود خلوت می‌کند، در توهمات و خیالات خود انواع رذایل اخلاقی را انجام می‌دهد. خلوت با بالایی ها نشان از عدم شکرگزاری فرد دارد و فرد نسبت به لایه خاکی که خدا او را در آن آفریده است ناراضی است.

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَى شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزِئُونَ ﴿۱۴﴾

و چون با کسانی که ایمان آورده اند برخورد کنند می گویند ایمان آوردیم و چون با شیطانهای خود خلوت کنند می گویند در حقیقت ما با شماییم ما فقط [آنان را] ریشخند می کنیم (۱۴)

۵. به همین دلیل، خیالبافی و توهمات باعث می‌شود که انسان دارای دو شخصیت مجزا باشد و همین ریشه تمام مریضی‌ها و اختلالات روانی می‌باشد. وقتی فردی کسی دیگر را در زمینه‌ای بهتر می‌داند و توانایی رقابت با آن فرد را ندارد، در ذهن خود کینه و حسد و حسرت را پرورش می‌دهد و در دنیای پنهانی درون خود به روش هایی در پی جبران این کمبود بر می‌آید و چون منبع موثقی برای تکیه کردن ندارد و اجنه در لایه ناری نیز بر تصمیمات و ذهن فرد تاثیر می‌گذارند، فرد به سمت موارد خطرناکی پیش می رود که به خود و فرد دیگر و حتی جامعه آسیب می‌زند.

۶. انسان نمیتواند دنیای خلوت (دنیای ناری) خود را در دنیای واقعی دخالت ندهد. ناگزیر و قطعا ، تفکرات و اندیشه های دنیای خلوت در دنیای واقعی ما تاثیر گذارند. تفکرات و تعقل و اندیشه پاک و هوش معنوی از منبع واقعیت و حقیقت سرچشمه می گیرند و برای پیشبرد انسان و علم به کار می‌روند ولی توهمات از منبع شیاطین و اجنه می‌باشند و هیچ فایده و ثمری ندارند و چه بسا انسان را به سمت بدی و بدبختی سوق می‌دهند. این نوع خیالبافی ها و بلند پروازیها هوش معنوی غلطی را به انسانها تزریق میکنند. بلندپروازی و خیالات آدم و حوا را از بهشت بیرون کرد. آرزوی فرشته شدن و جاودانگی آنان را به سمت نادیده گرفتن امکانات خاکی موجود در بهشت کرد و آنان از آنجا بیرون رانده شدند. در هر جا نعمتی را نادیده بگیرید، از دستش میدهید و یا به زبان دیگر از آنجا رانده میشوید.

تعریف ناشکری همین است. امکانات زمین از حالت طبیعی خارج میشود و این همان هبوط امکانات زمین است.

۷. به این طریق شرایط محیطی آخر الزمان را خود انسانها رقم خواهند زد و در آخر الزمان طوری خواهد شد که خنده ها و گریه ها هم مصنوعی میشوند و گریه فقط یک نوع تحریک غده های اشک است. حتی شاید برای خنداندن مردم، کارشناس جوک و کارشناس استنداپ کمدی بیاورند و گرنه انسانها بسادگی نمی خندند. بسیاری از مردم ، برای خنداندن و یا گریاندن و تحریک احساسات خود، به انواع کنسرتها میروند و هزینه های زیادی میدهند. در حالی که عامل اصلی خنداندن و گریاندن، خدای متعال است. پیامبر ابراهیم چه زیبا می گوید که :

وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَىٰ ﴿۴۳﴾

و هم اوست که می خنداند و می گریاند (۴۳)

وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَأَحْيَا ﴿۴۴﴾

و هم اوست که می میراند و زنده می گرداند (۴۴)

پیامبر ابراهیم گریاندن و خنداندن را در ردیف میراندن و زنده کردن میاورد. او میخواست بگوید که همانطور که میراندن و زنده کردن فقط در ید و قدرت

خداست، خنداندن و گریاندن هم فقط در ید قدرت اوست. خنده و گریه واقعی با تحریک غده های خنده و اشک بدست نمی آید.

وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا ﴿١٠٩﴾
و بر روی زمین می افتند و می گریند و بر فروتنی آنها می افزاید (۱۰۹)

براساس فرموده آیه فوق، در سیستم رحمانی، حتی گریه و خنده واقعی هم خشوع و خضوع انسان را زیاد میکند. به این طریق در لایه خاکی گریه و خنده واقعی به معنا تبدیل میشوند. اما بمرور لایه معنوی انسانها ضعیف میشود و شده است و بیشتر کارها فقط ظاهری و فیلم است و به معنا تبدیل نمیشوند. انسانها روز بروز شقی تر و سنگدلتر میشوند. جهنمیان اقرار میکنند که شقاوت در دنیای فانی برآنها غلبه کرده بود.

قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ ﴿١٠٦﴾
می گویند پروردگارا شقاوت ما بر ما چیره شد و ما مردمی گمراه بودیم (۱۰۶)

8.

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ ﴿١٠٧﴾
پروردگارا ما را از اینجا بیرون بر پس اگر باز هم [به بدی] برگشتیم در آن صورت ستمگر خواهیم بود (۱۰۷)

9.

قَالَ اخْسَئُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ ﴿١٠٨﴾
می فرماید [بروید] در آن گم شوید و با من سخن مگویید (۱۰۸)

انسانها شقی شده اند. اگر اشتباه کوچکی در شاخه گل عروس پیش آید؛ به یک کینه همیشگی بین زوجین تبدیل میشود که تا آخر عمرشان ادامه دارد! اگر این شقاوتها بین انسانها زیاد شود، یعنی بر آن جامعه غلبه کرده است و هوش معنوی آن جامعه را تحت سیطره خود می آورد. هر انسانی مقداری شقاوت در وجودش هست که باید درمانش کند و گرنه همین شقاوت کم، عدالت را در آن جامعه به خطر می اندازد.

انسانها برای بارورتر کردن زمینشان، آن را میسوزانند و به این طریق تمام حشرات و مورچه ها و ریزموجودات و سایر جانداران داخل زمین را از بین می برند. آیا انسان این موجودات ریز و مفید را نمی بیند؟ آیا دیده نشدن چیزی و یا کسی، دلیل بر نادیده گرفتن اوست؟ آیا ضعیف بودن، دلیلی برای نادیده گرفته شدن توسط دیگران است؟ شقاوت سراسر وجود انسان را گرفته است. خدا ابتدا رزق و روزی دابه (موجودات و حشرات ریز) را فراهم آورده است و بعد مال انسان را. ترتیب در آیه زیر آشکار است. اما انسان این حق را به خود میدهد که موجودات ضعیف تر و کوچکتر از خود را نابود کند. شقاوت او این حق را به او میدهد. شقاوت یک نوع هوش زیرکلاغی است که حق براساس آن تعریف میشود.

وَكَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٦٠﴾

و چه بسیار جاندارانی که نمی توانند متحمل روزی خود شوند خداست که آنها و شما را روزی می دهد و اوست شنوای دانا (۶۰)

وقتی خدای حکیم بخواهد منطقه ای را برای همیشه نابود کند، دابه آن منطقه را از بین می برد. حاصلخیزی خاک زمین بخاطر وجود دابه در داخل خاک است. دابه به موجودات ریز و حشرات گفته میشود.

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا ﴿۴۵﴾

و اگر خدا مردم را به [سزای] آنچه انجام داده اند مؤاخذه میکرد هیچ جنبنده ای را بر پشت زمین باقی نمی گذاشت ولی تا مدتی معین مهلتشان می دهد و چون اجلشان فرا رسد خدا به [کار] بندگانش بیناست (۴۵)

کسانی که زمین کشاورزیشان را میسوزانند، دقیقا حاصلخیزی زمینشان را از بین می برند. هوش معنوی زیر کلاغی، اینچنین می کند. آدمی با دست خودش، خودش را نابود میکند. یهودیان هوش مادی بالایی داشتند ولی هوش معنوی پایین. زمانی یهودیان در زمان پیامبر محمد، با دستان خود، خانه های خود را خراب میکردند. آنان هوش معنوی بالایی ندارند.

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ ﴿٢﴾

اوست کسی که از میان اهل کتاب کسانی را که کفر ورزیدند در نخستین اخراج [از مدینه] بیرون کرد گمان نمیکردید که بیرون روند و خودشان گمان داشتند که دژهایشان در برابر خدا مانع آنها خواهد بود و[لی] خدا از آنجایی که تصور نمیکردند بر آنان درآمد و در دلهایشان بیم افکند [به طوری که] خود به دست خود و دست مؤمنان خانه های خود را خراب میکردند پس ای دیده‌وران عبرت گیرید (۲)

۱۰. عدم شکرگزاری و نادیده گرفتن نعمات طبیعی خدا؛ باعث از دست دادن آن نعمت میشود. اصلا هبوط امکانات طبیعی زمین، بخاطر نادیده گرفتن آن امکانات است. مردم نسبت به امکانات موجود ناشکری می کنند و به همین دلیل آن نعمت رحمانی برداشته میشود. شاید در آینده بادهایی که ابرها را بارور میکنند، دیگر نباشند و بشر مجبور شود که با دستگاههایی آن را انجام دهد. وقتی خدای حکیم از یک نعمت در قرآن صحبت می فرماید؛ منظورش این است که شاید روزی دست درازیهای انسان این نعمت را کم رنگ کند و در نتیجه برداشته شود.

وَأَرْسَلْنَا الرِّيَاحَ لَوَاقِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ ﴿٢٢﴾

و بادها را باردارکننده فرستادیم و از آسمان آبی نازل کردیم پس شما را بدان سیراب نمودیم و شما خزانه دار آن نیستید (۲۲)

11.

وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ ﴿٢٣﴾

و بی تردید این ماییم که زنده می کنیم و می میرانیم و ما وارث [همه] هستیم (۲۳)
12.
وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَأْخِرِينَ ﴿۲۴﴾
و به یقین پیشینیان شما را شناخته ایم و آیندگان [شما را نیز] شناخته ایم (۲۴)

نزدیکیهای قیامت، خیلی از نعمات رحمانی برداشته میشود و آن موقع بشر مجبور است که مصنوعی آن را تولید کند.

۱۳. **اجنه و شیاطین لایه جسمانی خاکی را در اختیار ندارند، به همین خاطر رشد و تغییر در آنها بسیار سخت است. کسانی که وارد لایه ناری میشوند و با اجنه و شیاطین ارتباط دارند، اکثرا دیوانه میشوند. زیرا دو سیستم جدایند که قابل فهم نیستند برای هم. شیطان ابتدا به آدم فخر می فروخت که او در لایه آتشی است و آدم در لایه خاکی. شیطان این را یک نوع برتری و مزیت بحساب می آورد. البته شیطان در محاسباتش اشتباه کرد. خیلی از مردم هم در این دنیای خاکی مثل شیطان فریب خورده اند و نمیخواهند خاکی باشند و از لایه خاکی دوری میکنند و این مثل همان فریبی است که شیطان دچار آن شد. بعضی مردم در زیورآلات و زینتهای فریبنده دنیایی غرق شده اند و تمام زندگی و وقت خود را وقف بدست آوردن اینها میکنند که آنان را از لایه خاکی دورتر میکند.**

۱۴. **در لایه خاکی میتوان روزه گرفت، زکات داد، به مستمندان کمک کرد؛ سجده کرد، رکوع کرد و هزاران کار دیگر. این اعمال و کارها در لایه خاکی بسیار ساده**

است. اما در لایه ناری همین اعمال خیلی سخت است و معنای دیگری دارد و اصلا بعضی از این اعمال در لایه ناری وجود ندارند. شیطان بعدا این مساله را متوجه شد و به همین خاطر تصمیم گرفت که انسانها را از رشد در لایه خاکی محروم کند و به این طریق مدیتیشن و چاکرابازی را طراحی کرد تا بتواند آدمیان را به لایه ناری بکشاند و اینطوری به آنها دروغ بزرگی القا کرد که لایه ناری، محل اخذ معنویت است.

۱۵. جراحی های زیبایی غیر ضروری (که در جامعه ما ۹۹ درصد غیر ضروری هستند) همگی انسانها را از لایه خاکی دور میکند و آنان را از مزایای لایه خاکی محروم میکند. این نوع جراحی ها لایه خاکی انسانها را تغییر میدهد و در نتیجه افراد نمی توانند از لایه خاکی خود استفاده کافی و کامل کنند.

۱۶. شیطان آدم و حوا را از بهشت بیرون راند. به آنان وعده های جاودانگی و فرشته شدن داد. خدای حکیم به آدم و حوا وعده بهشت جاودانه را نداد، زیرا میدانست که آدم و حوا روزی فریب شیطان را میخورند و از بهشت رانده می شوند. آرزوی فرشته شدن برای آدم و حوا (که شیطان در ذهن آنان انداخت) هم نوعی نارضایتی نسبت به لایه خاکی بود. زیرا آدم وحوا در بهشت در لایه خاکی بهشتی بودند و داشتند زندگی بی دغدغه خود را میکردند ولی شیطان میخواست آنان را مستقیم به لایه بالایی بکشاند و البته دروغ میگفت.

۱۷. در قرآن، از قاسطون صحبت فرموده است. مُقسط یعنی کسی که عدل و قسط برقرار میکند. اما قاسطون یعنی کسانی که قسط و عدل را بر هم می زنند. قاسطون

منطقها و هوش زیرکلاغی استفاده میکنند. به همین خاطر هیزم و آتش زنه جهنم خواهند شد. زیرا اینها با هوشهای زیر کلاغی و غلط خویش محیط بی منطق و دیوانه جهنم را گرم میکنند.

وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا ﴿۱۵﴾
ولی منحرفان هیزم جهنم خواهند بود (۱۵)

بشر با منطقهای غلط و هوش مادی اشتباه، باعث گسترش بی عدالتی خواهد شد. خیلی افراد میخواستند ثروتمند شوند تا که بعدا از ثروتشان خیر و خیرات کنند. اما در راه ثروتمند شدن، حق افراد دیگر را خوردند. در منطق رحمانی، به زور نمیشود ثروتمند شد، زیرا منابع زمین محدود است و هر گونه اقدامی ممکن است باعث ضربه زدن به دیگران شود. خدای مهربان ثروت را حرام نکرده است ولی به هر طریقی نمیتوان آن را بدست آورد. اما در منطق شیطانی، ثروتمند شدن به هر قیمتی توصیه میشود. افراد بعدا که ثروتمند شدند، قول اولشان یادشان میرود و زیرش میزنند. بعضی افراد جهت ثروتمند شدن، چاه عمیق میزنند و آنقدر آب از آن بیرون میکشند که زیر زمین را خالی میکنند و باعث ایجاد ضرر به همسایه ها و افراد دیگر میشوند. بنابراین ثروتمند شدن به قیمت خالی کردن زیر دیگران ، نه تنها به نفع جامعه نیست و بلکه خودش عامل مهم بی عدالتی است. قاسطون کسانی هستند که این چنین منطق و هوش مادی ای را به کار می برند. قاسطون

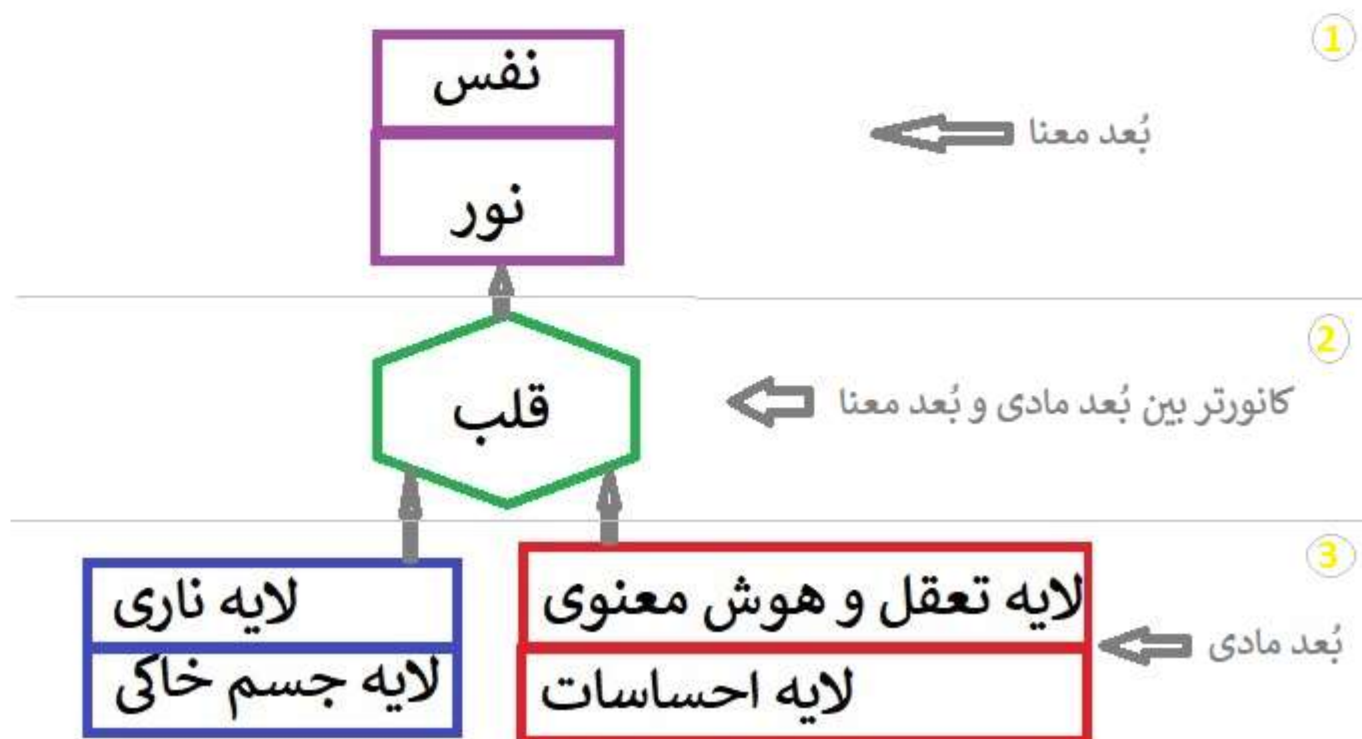
کسانی هستند که به ظاهر کار خوبی انجام میدهند ولی در اصل زیر پای دیگران را خالی میکنند.

۱۸. **انسانها باید بدانند که آب و نانی که استفاده میکنند، چطوری بدست میاید و چطوری تهیه میشود. و مهمتر از همه باید بدانند که در صورت نبود اینها، چه اتفاقی می افتد. این نوع محاسبات ساده، هوش معنوی درستی را به ما یاد میدهند.**

۱۹. **قبل از طوفان نوح؛ هر کسی جسمش قوی تر بود، مورد توجه تر بود. بعدا در زمان فرعون، هر کسی با لایه ناری ارتباط داشت، قوی تر معرفی میشد. به همین خاطر در زمان فرعون، جادوگری رواج داشت. بعدا که شعر و فیلم بوجود آمد، عده ای که فیلمهای احساسی تر بازی میکردند و اشک و خنده آدمها را در می آوردند، مهمتر بودند. اما حالا دوره عوض شده است و هر کس هوش مادی قوی تری داشته باشد، قوی تر بحساب می آورند. اما خدای رحمان همه اینها را رد میکند و هوش معنوی رحمانی را ملاک قدرت قرار میدهد.**

۲۰. **بشر فقط با هوش معنوی بالا (که از طریق قرآن بدست میاید) میتواند خود را از این لجنزار نجات دهد. اوائل تاریخ بیشتر بیماریها از نوع جسمی بود. بعد از مدتی بیماریهای روانی (مربوط به لایه ناری است مثلا وحدت وجود یک نوع بیماری ناری است) بوجود آمد. حالا دیگر بیماریهای مربوط به هوش و احساسات بوجود آمده است. افراد در ظاهر سالمند ولی منطقشان بیمار است.**

۲۱. وقتی چهار لایه پایینی انسان، بیمار باشد، اتوماتیک قلب مریض میشود و معانی و مفاهیم معنوی را نمی فهمد. در قلب مریض نور تولید نمیشود و به نفس ظلم میشود.



۲۲. شیطان گفت که من از آدمی بهترم. او در واقع می خواست بگوید که لایه ناری از لایه خاکی بهتر است. کسانی هستند که به نوع و سبک طعام مسکین و ساده علاقه ای ندارند. آنان لایه غذای لاکچری را از لایه غذای ساده بهتر میدانند.

وَلَا يَحُضُّ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿٣﴾

و به خوراك بينوا ترغيب نمى كند (٣)

این نوع تفکر در زمان ما زیاد شده است. افراد در حسرت زندگی ثروتمندان هستند. آنان در حسرت امکانات و غذاهای لاکچری هستند. اما خدا به مردم دستور میدهد که غذاهای ساده هم بخورید و از لایه خاکی زیاد دور نشوید. خدا دستور بیهوده صادر نمی کند. او دقیقا مشکل و نقطه ضعف انسان را میداند. وقتی خدا دستور میدهد که به خوراکهای ساده و بینوا رغبت نشان دهید و استفاده کنید؛ یعنی این پاشنه آشیل بشریت است. یکی در اینستاگرام کلیپ گذاشته بود و پوز میداد که من صبحانه خاویار میخورم و ناهار بره کبابی و شام هم یک غذای لاکچری دیگر! بعضی ها که این کلیپها را می بینند، به شدت لایه احساسات و منطقشان تحت تاثیر قرار می گیرد و آنان یهویی تصمیم می گیرند که به هر قیمتی باید ثروتمند شوند و سبک زندگی خود را مثل کلیپ کنند. اعمال نیک در لایه خاکی میتواند سریع لایه معنای ما را قوی کند ولی برعکسش هم ممکن است اتفاق بیفتد و بعضی کارها در لایه های خاکی میتواند سریع لایه معنا را نابود کند.

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٨٣﴾

آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می دهیم که در زمین خواستار برتری و فساد نیستند و فرجام [خوش] از آن پرهیزگاران است (٨٣)